

یادداشتی از امیر محمد بی باک؛

طالبان و ایران، یک تحول یا کارکرد مرزی؟

مسئله امروز افغانستان و طالبان که در دنیای سیاست مورد توجه اکثر دولت ها و ملت ها به ویژه همسایگان قرار گرفت، یک تحول شگرفی در قرن حاضر بود که اکثر دولت ها را به فکر حفظ بیشتر امنیت و پایداری در نظام سلطه خود در سیاست داخلی و خارجی و داشت.

به گزارش خبر امیر محمد بی باک دانشجوی ارشد رشته جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران و عضو انجمن ژئوپلیتیک ایران در یادداشت ارسالی به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است؛

مسئله امروز افغانستان و طالبان که در دنیای سیاست مورد توجه اکثر دولت ها و ملت ها به ویژه همسایگان قرار گرفت، یک تحول شگرفی در قرن حاضر بود که اکثر دولت ها را به فکر حفظ بیشتر امنیت و پایداری در نظام سلطه خود در سیاست داخلی و خارجی و داشت. در آیه شریفه ۱۱ سوره رعد قرآن کریم که می فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» خداوند سرنوشت هیچ قومی و «ملتی» را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنها خود تغییر دهند، به خوبی به این موضوع اشاره شده است.

چون وضعیت پیش آمده در افغانستان و حضور طولانی مدت آمریکا (بدون هیچ دست آوردی برای این ملت) خواسته خود مردم افغانستان بوده و حال آنکه کشور آمریکا فقط در جهت منافع خود وارد این کشور شد.

بنابراین، مسئله امروز تسخیر مرزها و تمامیت ارضی افغانستان به دست طالب های بدون فهم سیاسی یک کنش سیاسی است که طی چندین دهه اخیر یا سالها پیش به دست خود دولت و ملت افغانستان رقم خورده و تا امروز که دولت اشرف غنی بدون اطلاع قبلی ملت افغان خود را تنها گذاشت و کشورش را ترک کرد، یک تصویر جنجالی تری را نسبت به گذشته کشور افغانستان در ذهن و فکر ملت ها و دولت های جهان ایجاد کرد.

به بیانی دیگر، افغانستان فاقد یک اندیشه سیاسی است، زیرا هنوز توان یکپارچگی کردن ملت خود را ندارد.

به همین خاطر، دولت افغانستان مانند عراق طی چند دهه اخیر مورد تهاجم کشورهای بیگانه بوده و دولت آمریکا در رأس سیاست های داخلی و خارجی آن دخالت کرده و از این جهت خود فاقد توان و اراده سیاسی برای کنترل مرزها و سرکوب آشوب های محلی بوده است.

در حال حاضر، افغانستان به عنوان یکی از همسایه های شرقی ایران و با پیوندهای تاریخی، اسطوره‌ای، فرهنگی و زبانی عمیقی که با جامعه ایران دارد، این کشور در دهه‌های گذشته، دوره‌ای طولانی و سخت از نابسامانی و بی‌ثباتی را تجربه کرده است، به طوری که این بار اشغال این کشور توسط طالبان، آشوبی را ایجاد کرده که در چنین شرایطی همسایگان افغانستان به ویژه ایران باید به دنبال راهکاری برای حل بحران افغانستان باشند، زیرا حفظ امنیت و ثبات، آن هم در شرایطی که طالبان در حال قدرت گیری مجدد در افغانستان باشد، به طور قطع به یقین هزینه‌های زیادی را برای کشور ایران به دنبال خواهد داشت.

زیرا، طالبان در سال ۲۰۰۱ فاقد فهم سیاسی بود ولی در این برهه از تاریخ به سیاست نیز مجهز شده است، از نظر ایدئولوژیک طالبان، گروهی از روحانیان سنی هستند که عقاید دگماتیسم اسلامی را با ریشه‌هایی در مکتب حنفی دیوبندی، مذهب وهابیت و دیدگاه‌های جهادگرایی سلفی ابن تیمیه دارد. به عبارتی، این گروه مخالف دولت‌های افغانستان و پاکستان است، چون طالبان قشری و قبیله‌ای برخوردار می‌کند. آن‌ها حتی با اخوانی‌ها و جماعتی‌ها و مودودی‌ها سرسازش ندارند. بیشتر افراد گروه طالبان پشتون‌هایی هستند که در مناطق شمال غربی پاکستان و دو سوی خط دیورند زندگی می‌کنند.

این نوع حکومت های ایدئولوژیک که توان انعطاف پذیری چندانی را در خصوص درک و فهم موضوعات مهم ژئوپلیتیکی (سیاست جغرافیایی) ندارند، برای جلوگیری از موانع پیش آمده و استحاله شدن، دشمن تراشی کرده که اثرات زیادی را می تواند بر ایجاد تزلزل و ناامن نمودن مرز های خود با همسایگان نظیر جمهوری اسلامی ایران داشته باشد.

به همین جهت و با همین توضیحات در دسترس ترین کشور برای طالبان ایران می باشد که با توجه به مذهب سلفی و تندروی طالبان و هم مرز بودن با کشور شیعه ما دارای خطر بسیاری شده که البته ناگفته نماند این گروه با تجهیزات چندین میلیارد دلاری که از آمریکا به غنیمت گرفته اند این موضوع

را بیش از پیش تقویت می کنند.

بنابراین، مسئله طالبان و ایران، در آینده ممکن است به علت تأمین برخی منابع اطلاعاتی و سیاسی از سوی دشمنان ایران، بر مرز های ایران تحول ژرفی را بگذارد و از سویی جنگ طالب ها با ایران محتمل به نظر می رسد. در صورت شعله ور شدن آتش جنگ میان ایران و حکومت تازه نو پدید طالبان که این روز ها از سوی اکثر کشور ها به رسمیت شناخته شده، بر کارکرد مرز میان دو کشور تأثیر گذاشته و زندگی ساکنان نواحی مرزی را با چالش های نو ظهوری رو به رو کند.

در نهایت، دولت جمهوری اسلامی ایران باید با نفوذ قوی و با برنامه ای جامع و الگویی تخصصی در داخل این گروه و همچنین رصد کامل اطلاعاتی آنها می تواند از هرگونه تحرکات احتمالی طالبان در مرز های شرقی جلوگیری نماید.

طبق بیانات اخیر حضرت امام خامنه ای (مد ظله العالی) راجع به طالبان ، کشور ایران فقط طرفدار مردم مظلوم افغانستان می باشد و لاغیر.

بنابراین، جمهوری اسلامی ایران، لازم است تا در مقابل تحرکات احتمالی طالبان بر پیکره مرز ها و تمامیت ارضی کشور چندین نکته را در نظر داشته باشد و از شرایط منطقه به نفع خود سود ببرد.

زیرا، می تواند از طریق هم پیمان شدن با کشورهای دوست در راستای تحقق منافع خود در افغانستان به تخصیص و رها سازی آب هیرمند به سیستان اشاره کند و از طرفی بر اوضاع حاکم در منطقه از طریق تجهیز مرز های خود اقدام نماید و در کل می تواند، منابع محلی طرفدار نظام سلطه طالبان که قصد خرابکاری در مرز ها را دارند و راه را برای طالب ها همواره می کنند، جذب و هضم نماید.